

نقش مساجد در مدیریت شهری با توجه به بیداری اسلامی

محمد مهدی کیخای مقدم

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

(m.moghadam628@yahoo.com)

چکیده

مساجد نقش‌های بی‌بدیلی در ترویج فرهنگ، تمدن، اسلامی، تربیت و... داشته و دارد، در طول تاریخ مسجد رابطه بسیاری با بازار، کتابخانه، عبادت، طبابت، دارالعماره، مدرسه، بهداشت، سیاست، بزرگان، مراجع و روحانیت و... داشته است. هدف این پژوهش؛ احیاء جایگاه مساجد به عنوان سدی در برابر تهاجم فرهنگی است. فرض این تحقیق براین است که در موج بیداری اسلامی در دنیا و روبرو شدن جوامع با تناقضات، مساجد مانند صدر اسلام می‌توانند در برابر هر تهاجمی مقاومت از خود نشان دهند و جامعه را مدیریت کنند. در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده و برگزیده‌ای از منابع مکتوب که قابل استناد و عمل است و از تکنیک کیفی تحلیل و بررسی شده، در شرایط کنونی با توجه به بیشتر نمایان شدن دشمنی مستکبران با دین اسلام و نیاز به یک پایگاه قوی و مستحکم، پرننگ‌تر شدن نقش مساجد را به عنوان یک ظرفیت برای مدیریت شهرهای اسلامی ضرورت می‌دانیم.

کلید واژگان: بیداری اسلامی، مساجد، مدیریت شهری

Mosques function in civic management by attention to Islamic awareness

Mohammad Mahdi Keykhay Moghaddam

Department of Architecture, University of Islamic Azad Mashhad, Iran

(m.moghadam628@yahoo.com)

Abstract

Mosques have been had unique role to promotion of culture, Islamic pedagogy, civility and etc...In the history Mosque had been relevance to market, library, worship, medicine, school, hygiene, policy, religious person. The target of this research is to reconstruct the role of Mosque as a stoppage of cultural aggression. This research suppose that Mosque just as before, because of Islamic awareness all around the world and facing to inconsistencies, can withstand against any inroads and manage the society. Some analogist and descriptive roles are used in this research and also usable and deduction written sources too. Nowadays by

regarding to indicate of antagonists against Islam and need of a strong base, the role of the Mosques is necessary as a capacity of Islamic civic management.

Keywords: *Islamic awareness, mosques, civic management*

1. مقدمه

یکی از اقدامات اساسی پیامبر گرامی اسلام (ص) تأسیس مسجد، به عنوان پایگاه اداره حکومت اسلامی بود. در واقع ضرورت داشت مرکزی پایه‌گذاری شود که هم عبادتگاه مسلمانان به شمار رود و هم مرکز رفق و فتق امور سیاسی، قضایی، آموزشی و حتی نظامی آنان باشد. مسجد در آغاز محلی برای نماز، تحصیل علم و محکمه قضایی و همچنین دارالحکومه بود. علاوه بر این، جایگاهی برای نگهداری بیت المال و غنائم جنگی و حتی محل نگهداری زندانیان و اسرای جنگی نیز محسوب می‌شد. مسجد در واقع همه نهادهای سیاسی و اجتماعی را دربر می‌گرفت. از این رو، نقش به‌سزایی در تثبیت و استقرار دولت نوپای اسلامی در مدینه داشت. در مورد نقش و کارکرد مسجد، شاید بتوان گفت که در آن زمان، عمیق‌ترین پیوندها میان علم و ایمان در مسجد برقرار شده بود. تمام معارف و احکام اسلامی در مسجد بیان می‌شد و تعالیم دینی حتی امور مربوط به خواندن و نوشتن در مسجد صورت می‌گرفت. بعدها که به تدریج مراکز حکومتی و قضایی از مسجد جدا شدند، مراکز فراگیری علم همچنان همسایگی خود را با مسجد حفظ کردند. از این رو حتی تا سده‌های اخیر مدارس و دانشگاه‌ها در کنار مساجد جامع شهرها ساخته می‌شد.

2. مسجد

واژه مسجد از فعل «سَجَدَ» است. در فرهنگ دینی، نام «مسجد» یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. «مسجد» یعنی: جایگاه سجده، و سجده اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست؛ «السجود منتهی العبادة من بنی آدم» (مجلسی، 2013، ص. 164) در حقیقت، برترین و اصیل‌ترین محل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال مسجد است. بنابراین، در قرآن کریم بر جنبه‌های عبادی مسجد بیش از هر بعد دیگری تکیه شده است. مسجد جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است؛ «و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا؛ مساجد ویژه خداست پس هیچ کس را با خدا مخوانید.» (جن/18) مسجد جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است؛ «واقیموا وجوهکم عند کل مسجد وادعوه مخلصین له الدین؛ در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید وی را بخوانید.» (اعراف/29) مسجد پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است؛ «سبحان الذی اسرى بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی؛ منزّه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانه‌گاهی از مسجدالحرام به سوی مسجدالاقصی که پیرامون آن را برکت داده ایم سیر داد.» (اسراء/10) مسجد زیارتگاه خاص باری تعالی است؛ «الا طوبی لعبد توضع فی بیته ثم زارنی فی بیتی.» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ص. 268) (حرعاملی، وسائل الشیعه، ص. 422) «خوشا به حال بنده‌ای که در خانه خویش وضو بگیرد، آن گاه مرا در خانه‌ام زیارت کند.» پیامبر اکرم (ص) انوار تابناک و بی‌آلایش پرستش در مسجد، برای عرش نشینان پرتو افکنی می‌کند، انسان که ستارگان آسمان برای ما خاک نشینان نور افشانی می‌کنند؛ «ان بیوتی فی الارض المساجد ترضی لاهل السماء کما ترضی لاهل الارض.» (نوری، ه.ق. 1408، ص. 361) ابعاد تربیتی

مسجد به گونه‌ای با ابعاد عبادی آن مرتبط است؛ زیرا عبادت پرورش دهنده روح و روان آدمی بوده و پاسخ به آن در واقع، پاسخ به یک نیاز طبیعی و مهم اوست. مسجد با ایجاد آشنایی و پیوند میان مؤمن با نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی، اجتماعی وی فراهم می‌کند. در مکتب تربیتی اسلام و بسیاری از مکتب‌های تربیتی دیگر، «انزوا طلبی» و «جمع‌گریزی» بیماری روحی شناخته می‌شود، در حالی که اجتماعی بودن و جمع‌گرایی (در حد معقول آن) نشانه سلامت روح و روان انسان و تعادل فکری او به حساب می‌آید. مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به جمع، روح جمع‌گرایی، انعطاف و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند. مسجد کانون رایزنی و مشورت است، خداوند متعال پیامبر خویش را فرمان داده تا در کارهای مهم، با مردم مشورت کند: «و شاورهم فی الامر؛ در کارها با آنان مشورت کن.» (آل عمران/159) امام خمینی رحمه الله در گفتاری، این نقش مسجد را مورد تأکید قرار داده و می‌فرماید: «این مسجد الحرام و مساجد دیگر در زمان رسول اکرم (ص) مرکز جنگ‌ها و سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده؛ این طور نبوده است در مسجد پیامبر، همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد، مسائل سیاسیش بیشتر بوده و اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح مسلمین در آنجا فعالیت کنند.» (موسوی خمینی، 1364، ص. 67)

1.2 مسجد پایگاه عمومی

مسجد پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور قشرهای گوناگون است، از این رو جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در رفع نارسایی‌های اجتماعی است. مسجد در جایگاه اصیل خود، یک الگوی ارزش‌گذاری است، ارزش‌های فراموش شده در مسجد مطرح می‌شود. امین‌الاسلام طبرسی در تفسیر خود، می‌نویسد: «عده‌ای از "مؤلفه قلبیهم" نزد پیامبر (ص) آمدند و درخواست کردند در بالای مجلس بنشینند و فقیران و خرقه پوشان مانند سلمان، ابوذر، صهیب، عمار و خباب را از خود دور کند تا آن‌ها خود در کنار پیامبر (ص) باشند؛ زیرا حضور این افراد و مجالست آن‌ها با رسول خدا (ص)، مانع از شرکت ایشان در محضر پیامبر (ص) و همنشینی با حضرت می‌گردید. با مطرح شدن این درخواست، آیه 28 سوره کهف نازل گردید: «و اصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم بالغدوة و العشی یریدون وجهه و لاتعد عیناک عنهم ترید زینة الحیوة الدنیا و لاتطع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا و اتبع هویه و کان امره فرطاً؛ شکیبا ساز خویش را با آنان که پروردگار خود را صبح گاهان و شبان‌گاهان می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند و یک لحظه از آنان چشم‌پوش که به زینت‌های دنیا مایل شوی و هرگز از آنان که دل‌هایشان را از یاد خود غافل کردیم و تابع هوای نفس شدند و به تبه‌کاری پرداختند، متابعت مکن.» (طبرسی، ص. 465) مسجد هرچند یک واحد اجتماعی کوچک، ولی نماد یک جامعه اسلامی و نمونه عینی حاکمیت ارزش‌های اسلامی است. بنابراین، تحقق ارزش‌هایی از قبیل تقوا، علم، جهاد، برادری، مساوات و عدالت باید از مسجد آغاز شود.

2. نقش اجتماعی و سیاسی

نقشی است که این نهاد مقدس در گسترش عدالت در ابعاد گوناگون آن و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی ایفا می‌کند. قضاوت‌های امیرالمؤمنین (ع) در «دکه القضاء» مسجد کوفه در امتداد همین نقش مسجد بوده است. در بعد عدالت اجتماعی نیز مسجد همواره کانون مبارزه با ستم و بی‌عدالتی بوده است. به‌عنوان نمونه، می‌توان به خطبه آتشین فاطمه زهرا (ع)، که در دفاع از مقام ولایت و مبارزه با ستم بر اهل بیت پیامبر (ص) در مسجدالنبی ایراد شد، اشاره کرد. در دوران انقلاب اسلامی،

مردم ایران علیه نظام ستم شاهی، جلوه‌هایی از نقش مسجد را در بعد ستم ستیزی، آشکارا مشاهده کردند، تا آن جا که می‌توان انقلاب اسلامی ایران را «فرزند مسجد» برشمرد. اکنون نیز جلوه‌هایی از همین مبارزات مقدس را در برخی از کشورهای اسلامی مانند الجزایر، تونس، مصر، عراق، فلسطین اشغالی و بحرین شاهدیم. از دیگر نقش‌های اجتماعی و سیاسی مسجد، می‌توان کارکرد مسجد را در پرورش نیروهای متعهدی دانست که حکومت اسلامی به آنها نیاز دارد؛ زیرا مسجد بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بردوش دارد. در سایه رفت و آمد به مسجد، خلق و خوی‌ها و آداب و منش‌های افراد تا حد زیادی هویدا می‌شود. مسجد بستر مناسبی برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد؛ زیرا مرکز حضور و تجمع نیروهای زبده و برگزیده است؛ «لایاتی المسجد من کل قبیله الا وافدها و من کل اهل بیت الانجیبا» (شیخ صدوق، 1385، ص. 325) مسجد پایگاه جوان مردانی است که در برابر تعرض به مقدسات دینی برمی‌آشوبند و عرصه را بر متجاوزان به حریم دین تنگ می‌کنند. مسجد جایگاه گرد آمدن فرزندان مکتب است؛ آنان که با یک دست قرآن و با دستی دیگر سلاح برگرفته‌اند. این حضور نشان قدرت و عزت اسلام و مسلمانان است و سبب می‌شود تا خیره‌سران نتوانند به حریم دین تجاوز کنند. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ص. 325) از سوی دیگر، در سایه تجمع و انسجامی که مؤمنان در مسجد می‌یابند، می‌توان بهترین تشکل مردمی را برای مبارزه با منکرات و مفساد اجتماعی پی‌ریزی نمود. «و لا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم؛ کافران همواره با شما می‌جنگند تا آن گاه که شما را از دینتان برگردانند.» (بقره/217) در اسلام، مسجد جایگاهی به وسعت یک مکتب جامع و زنده و متناسب با هدف‌ها و آرمان‌های یک رسالت جهانی و ظرفیتی فراگیر و به فراخی تمامی انسان‌ها و همه بشریت دارد. دین اسلام تنها آیین نجات بخش و سعادت آفرین بشر است که در همه جنبه‌های زندگی، اعم از اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی، برنامه‌های جامع و کاملی تنظیم نموده و همه را برای آموختن این درس‌ها زیر چتر تعلیم و تربیت خود قرار می‌دهد. از این‌رو، پیش از هر چیز، به کانونی پر جاذبه نیاز است که بتواند همه اقشار را به خود جذب نماید و در خود جای دهد. بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام (ص) در نخستین فرصتی که در راه دعوت به اسلام به دست آورد، به تأسیس مسجد به عنوان یک پایگاه مهم اجتماعی و تربیتی اسلام اقدام نمود و در اولین قدم، در فاصله زمانی کوتاهی که قریب هفده روز طول کشید، در بین راه هجرت به مدینه و در چند کیلومتری این شهر، اقدام به تأسیس مسجد قبا نمود و به تعلیم و تربیت مسلمانان پرداخت. این موضوع بیشتر به این دلیل است که کلیه معارف و مظاهر اسلامی از مسجد سرچشمه می‌گیرد و در دنیای اسلام گسترش پیدا می‌کند.

2.3 مسجد؛ کانون مذهبی - اجتماعی

کار مسجد تنها عبادت نیست، مسجد به عنوان خانه خدا، در فقه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و برای آن احکام خاصی وضع شده است. مسجد جایگاه ارشاد و تبلیغ مسائل اسلامی است. پیامبر اکرم (ص) و سپس خلفا ارشادات خود را در مسجد بیان می‌کردند و مسلمانان برای آموزش مسائل دینی به مساجد روی می‌آوردند. بنابراین، مساجد در پی تغییر روحيات و خلیقات مردم بر اساس موازین اسلامی بودند و در نهایت، ساختار اجتماع در جهت هماهنگی با اصول اعتقاد اسلامی تغییر می‌یافت.

2.4 مسجد؛ مرکز آموزش

باید در نظر داشت که پس از ایجاد و توسعه مدارس، مساجد نیز مانند سابق، جنبه تربیتی و تعلیمی خود را حفظ کرد. علت اساسی آن که مساجد به شکل مراکز آموزشی درآمد، تعلیم علوم شرعی بود. بنابراین در درجه نخست، علم قرائت قرآن و تفسیر و حدیث و فقه در مساجد و همچنین تعلیم زبان و ادب عربی مورد توجه بود. (صفا، 1354، ص. 6 و 8). مساجد نهادهای اساسی آموزش در زمینه‌های قرآن، احکام، اخلاق و علوم مانند کلام و فقه بوده‌اند. در پیوند با همین نقش آموزشی، به تدریج، مساجد عهده‌دار کتابخانه‌های عظیم و پر رونقی شدند که در برخی از شهرهای ایران امروز نیز وجود دارد. مساجد محل پرورش استادان بزرگی بودند که بعدها خود از علما و مدرسان بنام اسلام گردیدند. طی قرن‌ها، که تمدن اسلامی سیر نزولی خود را طی می‌کرد، مساجد دیگر به عنوان یک نهاد اسلامی، نقش‌ها و کارکردهای مذکور را ایفا نمی‌کرد. با توجه به تحولاتی که در اروپا رخ داده بود و در آن کلیسا صرفاً نقش عبادی داشت، در بازتاب این تحول فکری بر جوامع اسلامی، در کشورهای اسلامی نیز مساجد از نقش اصلی خود تهی گردید و تنها به یک بعد آن، که عبادت بود، توجه می‌شد.

2.5 مسجد و دانشگاه

اکنون نیز استفاده از مساجد به عنوان دانشگاه و تشکیل کلاس‌های درسی در زمینه‌های فقه، اصول، تفسیر و کلام اکنون در حوزه‌های علمیه بزرگ و کوچک رایج است و علاوه بر جنبه‌های علمی، جنبه‌های تربیتی و اخلاقی در آن‌ها مد نظر استادان و طلاب می‌باشد. مبالغه نیست اگر گفته شود که مسجد در گذشته، همان نقشی را داشت که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کنونی دارند. اساتید علما، که مسلمانان به آن‌ها مباحثات می‌کنند، حیأت علمی خود را در رواق‌های مساجد سپری می‌کردند و آن‌گاه که بهره کافی کسب می‌نمودند، حلقه‌های درس تشکیل می‌دادند و به تعلیم می‌پرداختند. از این‌رو می‌توان گفت که مساجد مسلمانان در هیچ روزی از حلقه درس علما و طلاب خالی نبوده، حتی امروزه نیز در این زمینه، مساجد همچون ستارگان فروزانی می‌درخشند و همه ساله هزاران استاد از این مساجد و مؤسسات وابسته به آن‌ها خارج می‌شوند و به نشر اسلام و علوم اسلامی می‌پردازند. از جمله این مساجد، مسجد جامع القرویین، جامع الازهر و جامع عتیق می‌باشد. بطور کلی، نقش نیرومند مسجد در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وحدت مسلمانان بر کسی پوشیده نیست. اندک اندک مساجد موقعیت سال‌های نخستین ظهور اسلام را به دست آورده‌اند. تأسیس کتابخانه‌ها و تالار اجتماعات در درون مساجد این حقیقت را آشکار می‌سازد که مساجد در اسلام بدان گونه که بعضی پنداشته‌اند، منحصرأ برای ادای فریضه نماز نیست و یقیناً یکی از مراکز سیاسی و فرهنگی مهم اسلام است. اقامه نماز جمعه وسیله‌ای است برای گردهمایی مسلمانان در روز تعطیل و طرح مسائل مهم اجتماعی و بحث و گفتگو در باب کمبودهای رفاهی؛ نظیر بهداشت، مسکن، تصمیم‌گیری‌های سیاسی، مسائل حرفه‌ای و غیر آن، در حقیقت، برپایی نماز جمعه به کار گرفتن عبادت خداوند است در راه خدمت به امت. گردهمایی جمعه، به ویژه در سال‌های اخیر، در ممالک آزاد شده توسط اسلام، تأثیر و کارایی بسیاری داشته است. در این سال‌ها، علی‌رغم تفرقه و پراکندگی سیاسی مردم، گردهمایی مسلمانان ناخشنود از حکومت‌های ستمگر فاسد، در درون همین مساجد طرح قیام عمومی و مبارزه علیه ستمگران را ریخته و تزلزلی در ارکان فرمان‌روایی دست‌نشانندگان استعمار غرب پدید آورده است؛ کاری که احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف در ممالک غرب از انجام آن هنوز ناتوانند.» (کنتول اسمیت، 1356، ص. 101)

2.6 آموزش در مساجد

مسلمانان در نخستین قرن‌های هجری، بیش از هر چیز، به بحث و تحقیق درباره قرآن و احکام آن و احادیث و روایات و درایت آن‌ها و زبان و فرهنگ عربی، که ملازم قطعی و دایمی دین بود، توجه داشتند. همه این کوشش‌ها فقط در راه تحکیم مبانی دین و نشر و تعلیم آن انجام می‌گرفت. به همین دلیل، مراکز اجتماعات دینی برای مسلمانان، در حکم قدیمی‌ترین مراکز تعلیمی هم بوده است و حتی اگر بخواهیم از مدارس کهن کشورهای اسلامی سخن به میان آوریم، باید مساجد را مورد توجه قرار دهیم و پس از آن هم که ساختن مدرسه برای تعلیم علوم شرعی معمول شد، معماری مخصوص مساجد در آن‌ها مؤثر واقع گردید.

7.2 نقش مسجد در مدیریت شهری

در مدیریت شهری از منظر شهرسازی و برای دریافت اهمیت و جایگاه بنای اساسی و اولویت بناها، از تاریخ اسلام صدر اسلام، می‌توان دریافت که عمل و رفتار پیامبر(ص)، (مهاجرت از مکه به مدینه)، برای نشان دادن جایگاه این بنا، در گسترش و اولویت و رتبه نخست این بنا در شهرسازی و تشکیل حکومت و مدنیت در هر عصری خواهد بود. در پرداخت به شهرسازی اسلامی و رعایت و رواج فرهنگ اسلامی در آثار و اماکن، باید به خوبی دریافت که قبل از هر اقدامی، نخست ساخت و جایگاه مسجد، در شهرسازی بر مبنای الگوی اسلامی و دینی اولین رتبه را داراست. سوال اساسی این است آیا ما در نقشه‌ها و پیش‌بینی بناهای شهری، به این موضوع دقت و توجه کافی داشته و داریم؟ چه کسی و کسانی این رسالت مهم را در شهرسازی بر مبنای الگوها و معماری اسلامی بر عهده دارند؟ آیا رعایت این اولویت دینی و اسلامی را در توسعه شهری و ساخت و سازهای گوناگون، در نظر داریم و یا تعریفی از رعایت هویت‌های فرهنگی و دینی بر اساس مبانی اسلامی، داشته و یا قیدی در این خصوص بر مبنای قوانین توسعه شهرها در معماری اسلامی داریم؟ مسجد در معماری امروز ما چه جایگاهی دارد؟ شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی، سازمان نظام مهندسی، مجلس، استانداری‌ها و وزارت‌های کشور و راه و مسکن و سازمان‌های اوقاف و امور خیریه و تبلیغات اسلامی و ارشاد، فرهنگ و هنر و آموزش عالی و... همه کسانی که با موضوع توسعه، ساخت و ساز، شهرسازی، ساخت اماکن مذهبی، تربیت و فرهنگ و... ارتباط دارند، موظفند راه‌های برون رفت از مشکلات پیش روی و پرداختن بیشتر به اهمیت و نقش‌های چندگانه و بارز مسجد در تربیت و آموزش و... در زندگی و عصر کنونی با توجه رشد تکنولوژی و... را جستجو و تلاش دوچندان نمایند. جایگاه و اولویت مهم این مکان مذهبی با نقش‌های بسیار مهمی که در فرهنگ و دین اسلام دارد، جز اقدام‌های اساسی باید در زندگی مسلمین باشد که همواره دیده شده که حتی در دور افتاده‌ترین روستاها این بنای ارزشی با توجه به توان مردم ساخته شده است. اگرچه نیازمند توجه بیشتر به نقش‌های مهم و زیادی که مسجد در زندگی و تربیت و... مردم و جامعه دارد را باید جستجو کرد. اگرچه امروز الزام به داشتن فضاهای آموزشی، بهداشتی، خدماتی و... در الگوهای شهرسازی و معماری در توسعه ساخت و ساز شهری و روستایی، امری اجتناب‌ناپذیر است و قید و مصوبات قانونی خویش را باید قطعا به همراه داشته باشد، اما آنچه امروز برای پرداختن به موضوع مسجد در معماری اسلامی لازم و ضروری است، رعایت الگوها و الویت‌های فرهنگی بر اساس مبانی دینی است، که باید به آن پرداخته شود. متولیان امور فرهنگی و دینی، در کنار سازمان‌ها و متولیان امور توسعه شهری، باید تعریف خاص و کاملی از معماری اسلامی با رعایت نمادهای ارزشی و دینی و اسلامی، تعریف و یا باز تعریف ارائه نمایند. اما باید دانست که ساخت فضا برای زندگی، دارای متغیرهای تأثیرگذاری چون عواملی طبیعی و انسانی، همانند، اقتصاد(درآمد)، نوع فعالیت و شغل افراد، طبیعت (آب و هوا؛ کوهستانی، بیابانی و...)، جنسیت و... است. اما اساساً نباید هیچ

کدام از این متغیرها، مبانی دینی و ارزشی ما را به زیر سوال ببرد. امروزه بناهای مسجد با توجه به نما و ظاهر شایسته آن نیازمند، توجه و زیباسازی بیشتر متناسب با الگوهای فرهنگی و مذهبی است. یک الگوی درست و پیش‌بینی شده با تعیین اولویت ساخت این بنا، یک ضرورت و نیاز برای همه شهرها و محلات با توجه به جمعیت و... است. به نظر می‌رسد می‌توان در مدیریت شهری، بخصوص از طرف شهرداری‌ها و برای رعایت الگوهای معماری اسلامی، در توسعه شهر و شهرک‌ها، به نسبت جمعیت و بنا، زیر بنا، پروانه ساخت و یا اسناد مالکیت مربوطه، سهم ریالی و هر نوع کمک و... را از مالک هر واحد برای ساخت این بنا مهم (مسجد) با همه نقش‌های تأثیرگذار آن در نظر و پیش‌بینی و از عموم اهالی آن شهرها یا شهرک‌ها دریافت و با رعایت اولویت در اولین فرصت، متناسب با ویژگی‌های انسانی و طبیعی، مسجدی قابل و فراگیر ساخته شود. در بعضی شهرهای در کنار مساجد وجود، حمام، کتابخانه و صندوق‌های قرض الحسنه و... نشان از اعتبار این موضوع و اهمیت نقش مساجد در میان جامعه و مردم بوده است. روحانیت، وعاظ، مربیان آموزشی و تربیتی، اساتید و فرهنگیان، بزرگان و متنفذین و همه اصحاب علم و دانش، رسانه‌های گروهی و... نقش بسیار مهمی در ترویج این نقش‌ها را در مورد مساجد برعهده دارند. اگر بنای مسکن (خانه) و سرپناه، به عنوان محلی برای دفاع، حراست، آسایش و راحتی خود و اهل خانه و فرزندان است، مسجد هم بنایی برای عبادت و آرامش روحی و روانی جامعه است. نما، ظاهر و محیط مسجد و... حتی نوع رنگ مسجد و شکل و فضای آن باید موثر و در ارتباط با روح و روان و آرامش فردی و جمعی باشد، رنگ آبی و لاجوردی (آسمانی) مایه آرامش روح و روان است.

8.2 نتیجه‌گیری

مسجد مکان مقدسی برای دفاع از ارزش‌ها و مبانی دینی و اعتقادی و در یک کلمه بنا به فرموده امام خمینی (ره) سنگر است. مسجد دژ مستحکمی است که در آن به دفاع از جسم و روح و ارزش‌ها دینی و انسانی و... پرداخته می‌شود. مسجد جایگاه فریادخواهی و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی و آگاه‌سازی و پرداختن به امور مسلمین و امت اسلامی است. مسجد محل تجمیع رفتارهای فرهنگی و ارزشی و مذهبی است که نیازمند پرداختن بیشتر برای نسل جدید و همه مردم خواهد بود. اگر امروز در سرزمین فلسطین می‌بینیم که دشمن صهیونیست به مسجد الاقصی حمله می‌برد و آن را به آتش می‌کشد، همه نشان از تأثیر این بنا و اهمیت این محل بسیار مهم در وحدت و همدلی و نقش‌های بی‌بدیل آن در جامعه اسلامی و دینی امت اسلامی است. دشمن به خوبی دریافته است که مسجد، محل اجماع و همدلی و توافق مسلمین در اقصی نقاط و در بین آنهاست و اگر امروز کینه و دشمنی آنها را به این بنای فرهنگی می‌بینیم، شاید بی‌دلیل نباشد. (ضرابی، 1379)

3. بیداری اسلامی

3.1 مقدمه

وقتی که به دنیای اسلام نگاه می‌کنیم می‌بینیم که در نوعی رکود به سر می‌برد و اندیشه غرق در مسائل حاشیه‌ای و جزئیات است که بالندگی آن را از بین می‌برد. زیرا توجه آن فقط به میراث است و نه حرکت و پویایی، پرداخت اندیشه به مسائل و مشکلات ذهنی نیز غرق در ذهن‌گرایی است که حاصل اندیشه‌های جدالی می‌باشد. اندیشه‌های که اگر در جایی چشم انداز روشنی برای آن وجود دارد، در جایی دیگر گرفتار ابهام و تاریکی و ظلمت می‌باشد. همین امر باعث شده است که بعضی‌ها اسلام را در چارچوب عبادات و اخلاق عمومی و احکام فردی، آن هم به دور از مسؤولیت‌های سیاسی و جهادی

مطرح کنند. همین طور بعضی دیگر با اینکه به فراگیری اسلام عقیده دارند، اما پویایی آن را محدود کنند و در انتظار آخر الزمان بنشینند. آن هم به این دلیل که شرایط زمانی اجازه اجرای احکام آن را نمی‌دهند. گروه سوم نیز بر این عقیده هستند که دوره اسلام همه جانبه گذشته است. از این رو اسلام باید از نقش خود به نفع اندیشه تازه‌ای دست بردارد که در بردارنده مشکلات تازه انسان هستند. همزمان با شکل‌گیری این اندیشه تلفیقی، اندیشه انقلابی دیگری نیز شکل گرفت که هدف آن از بین بردن اندیشه عقب مانده‌ای بود که اسلام را از عرصه زندگی و رویارویی دور کرده بودند. در این رویارویی به خاطر یورش همه جانبه استکبار غربی مبتنی بر کفر و الحاد بر پایه‌های سیاسی اسلام، اسلام از عرصه حکومت و قانونگذاری بیرون شده بود تا اندیشه مسلمین از اسلام دور شده و به سوی ملی‌گرایی و قوم‌گرایی سوق یابد. به این ترتیب مسلمانان آگاه برای ایجاد یک حرکت اسلامی سیاسی برنامه ریزی کردند که سعی دارد اسلام را به عرصه عام زندگی در جنبه‌های اندیشه و قانونگذاری و جهاد بازگرداند. آیت الله سید علی خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه خود در تاریخ 1389/11/15 ماهیت انقلاب در کشورهای عربی را از جنس بیداری اسلامی دانست. او در آن خطبه گفت: «حوادث امروز شمال آفریقا، کشور مصر، کشور تونس، برخی کشورهای دیگر، برای ما ملت ایران معنای دیگری دارد، معنای خاصی دارد؛ این همان چیزی است که همیشه به عنوان حدوث بیداری اسلامی، به مناسبت پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی ملت ایران گفته میشد؛ امروز خودش را دارد نشان می‌دهد» او اصول این انقلاب‌ها را احیاء و تجدید عزت و کرامت ملی، برافراشتن پرچم اسلام، برخورداری از امنیت روانی و عدالت و پیشرفت و شکوفائی، ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه‌ی آمریکا و اروپا و مبارزه با رژیم غاصب و دولت جعلی صهیونیست دانست و تهدیدهای متوجه این انقلاب‌ها را، اختلافات داخلی، مصادره انقلاب‌ها و سلب مرجعیت فکری علما و تراشیدن مراجع فکری جدید می‌دانند. (<http://www.leader.ir>)

3.2 تولد بیداری اسلامی

انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، توانست که در تحقق هدف مرحله‌ای خود به صورتی گسترده با امت اسلامی وارد تعامل شود و حکومت شاهنشاهی را که نماینده استکبار آمریکایی در ایران به شمار می‌رفت و می‌خواست روح اسلام‌گرایی را به سود روح کفرگرایی که با دوران مجوسی‌گری و زردشتی‌گری پیوند داشت، ساقط نماید. سقوط این دولت به عنوان پایگاه قوی کفر و استکبار، توسط اسلام انقلابی برخاسته از مرجعیت دینی که از جایگاه مسؤولیت به همه زندگی نظر دارد، صدمه قوی بود که توانست زلزله ایجاد نماید و علامت سؤال بزرگی را برای همه دنیا در باره توان انقلاب آفرینی اسلام و انسان‌سازی و مقابله با چالش آفرینی دیگران و توان رویارویی، تحریک‌گری و تداوم ایجاد نماید. این انقلاب باعث شد که مسلمانان توان انقلاب آفرینی و پاسخگویی به چالش‌ها و چالش آفرینی و دولت‌سازی به خاطر خودکفایی در قانونگذاری اسلام بر اساس خط اجتهاد را درک کنند. این امر اعتماد مسلمانان به توان رهبری اسلام را زنده کرد و حس سیاسی متبلور در حس اسلامی آغازیدن گرفت. مسلمانان به این فکر افتادند که انقلاب ممکن است نزدیک‌ترین راه برای برپایی دولت اسلامی باشد و درباره فرآیند اصلاحات در برابر فرآیند تغییر همه جانبه که عنوان انقلاب و شورش در برابر منافع استکباری در کشورهای اسلامی را برگزیده است، به گونه‌ای منفی صحبت کردند. به این ترتیب بیداری اسلامی متولد شد که چشم مسلمانان را از خواب بیدار کرد. از این رو نوری را دیدند که اندیشه و خیزش اسلام را فراگرفته است. همین طور مسلمانان را از غفلتی که بر خرد‌ها و دل‌هایشان سایه افکنده بود دور نماید و آنان را واداشت که به سوی با تمام توان به سوی مواجهه با چالش‌ها بشتابند. توانی که به مصاف خطرها می‌رفت، جراحت‌ها را به جان می‌خرد، دردها را تحمل می‌کرد

و با صبر و اخلاص مشکلات جهاد را پذیرا می‌شدند. مسلمانان به فکر ناگواری‌های جامعه اسلامی در باب آزادی و عدالت افتادند که تابع برنامه‌ریزی‌های اندیشه غربی غیر اسلامی بود. می‌گفتند که ضرورت دارد بر اساس مفاهیم اسلامی حرکت‌های انقلابی صورت گیرد تا اینکه انسان مسلمان، اندیشه و عمل و نظریه و اجرایش یکی شود. طوری نباشد که در عبادت مسلمان و در سیاست کافر باشد و از راه منحرف باشد. انقلاب اسلامی ایران خاستگاهی برای حرکت و کارآمدی و تأثیرگذاری مستقیم و غیر مستقیم این بیداری روی دنیای اسلام شد. خصوصاً بعد از اینکه انقلاب به دولت تبدیل شد باز هم از خط انقلاب فاصله نگرفت و در چالش‌های بین‌آگاهی و عقب ماندگی به جایگاه مهمی را از آن خود کرد.

3.3 بیداری و زبان خشونت

خشونت در روش و اندیشه، ممکن است برای آن دسته از کسانی که به روش‌های آرام عادت کرده‌اند ناگوار باشد. زیرا آنان تاب تحمل درشتی و تعدی را ندارند. این امر ممکن است روی روند انقلاب تأثیر به جای بگذارد و به خاطر همین خشونت ممکن است بعضی از مردم از انقلاب دور شوند. زیرا خشونت را با برداشتی که از اسلام دارند و آن را دین رحمت می‌شمارند، متناسب نمی‌بینند. ولی مسأله‌ای که ممکن است به صورت یک اشکال مطرح شود، موضوع جهاد در اسلام است. چه جهاد در دوران پیامبر گرامی اسلام و چه در دوران‌های معاصر. کشتارها و دردها و پیامدهای ویرانگر حاصل از جنگ‌ها چیزهایی است که مردم را تکان می‌دهد. شاید مشکل همه این‌ها این باشد که وقتی شرایط منطقی و دشوار در نظر گرفته نشود، مردم متوجه پس زمینه‌ها و ابعاد پنهان مسأله نمی‌شوند و فقط صحنه‌های ناگوار آن را می‌بینند. این همان چیزی است که بیداری اسلامی در حرکت انقلابی خود با آن روبرو می‌باشد. چالش‌هایی که بیداری اسلامی در عرصه‌های گوناگون با آن روبرو می‌باشند بسیار سخت و شدید است. حتی موجودیت و هویت بیداری اسلامی با چالش مواجه می‌باشد. از این رو بیداری اسلامی در وضعیت غیرعادی قرار دارد. وضعیتی که تابع هیچ یک از قوانین و معیارهای شناخته شده نمی‌باشد. بیداری اسلامی با خطراتی از همه جانبه روبرو می‌باشد مانند انسانی که در میدان نبرد از هر سوی توسط دشمن احاطه شده است. در این باره نکته قابل توجهی وجود دارد و آن این است که انقلاب دارای دو هدف اساسی می‌باشد. هدف اول مقابله با چالش‌هایی است که به صورتی خشن و توان فرسا، از سوی کافران و مستکبران ضد انقلاب دامن زده می‌شوند. این امر باعث می‌شود که انقلابیون تحت تأثیر فشارهای روحی و روانی قرار بگیرند و احساس کنند اسلامی که در برابر عملی خود این همه روی مدارا تأکید دارد، مانعی نمی‌بیند به مانند دیگرانی که دست به خشونت علیه اسلام می‌زنند، از بالاترین درجه خشونت سیاسی و جهادی استفاده کنند. هدف دوم بسیج انسانی در مسائل مهم سیاسی است. در این مسائل نیاز است که احساسات و عواطف تحریک شوند و هیمنه مستکبران از جان مستضعفان زدوده شود و خوف و هراس از باور امت اسلامی از بین برود و در برابر ستم و ستمگران، حماسه مردم تحریک شود. این امر ایجاد می‌نماید که امت اسلامی در مراحل ابتدایی انقلاب خود، مورد فرهنگ سازی قرارگیرد تا اینکه احساس قدرت نماید و این احساس قدرت به موضع‌گیری بینجامد و این همان چیزی است که در تربیت عاطفه و تقویت احساسات باید برای آن برنامه ریزی کرد. البته وقتی که انسان از خط تعادل خارج می‌شود، طبیعی است که این روش نیز از دچار بعضی آسیب‌ها و معایبی شود و عواطف نیز در هنگام موضع‌گیری دچار فروپاشی گردد. ولی مزایای اسلام‌گرایی سیاسی در توان بسیج کردن آن است که عقل و باور و احساس و حرکت را سرشار از اسباب تنش و قدرت نماید. این مزایا بسیار بیشتر از میزان معایب آن است. بهترین مثال آن نیز شعار «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر شوروی»، «مرگ بر اسرائیل» یا «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» است. امتی که می‌خواهد برای بیداری

اسلامی انقلابی برنامه ریزی نماید باید هر زمان این شعارها را تکرار کنند. همین طور باید برای پایمال کردن نمادهای استکبار نیز رفتار عملی صورت دهد، به نحوی که مردم از روی آن‌ها عبور کنند و پا رویشان بگذارند. بعضی از مردم ممکن است این شعار و اقدامات را افراطی بدانند و معتقد باشند که این کارها رابطه انقلاب و دولت‌های بزرگ را دچار خدشه می‌نماید. در حالی که نمی‌توان در هیچ زمینه‌ای از آن‌ها بی‌نیاز بود. زیرا مراکز اقتصادی و سیاسی و فرهنگی دست آن‌ها قرار دارند و آن‌ها می‌توانند همه دنیا را تحت فشار خود قرار دهند. از این رو نمی‌توان موضع منفی در قبال آن‌ها گرفت یا با آن‌ها قطع رابطه کرد. زیرا با این کار به جای اینکه کشورهای بزرگ در تنگنا و محاصره قرار گیرند، این دولت‌های کوچک هستند که در تنگنا قرار می‌گیرند. لذا شعار نه شرقی و نه غربی شعاری غیر واقعی است. زیرا در بیشتر زمینه‌ها ما به آن‌ها نیاز داریم.

(<http://www.bayynat.ir>)

3. 4 شعار سیاسی تغییری زبان قرآن است

قرآن ضعیف مستکبران را به نمایش می‌گذارد و عظمت الهی را که برتر از قدرت بندگان او می‌باشد و بر همه چیزی سیطره و هیمنه دارد و از همه بی‌نیاز است و همه به او نیازمندند، مورد تأکید قرار می‌دهد. تأکید قرار بر این است که خداوند با پرهیزگاران و نیکوکاران است: «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ» (اعراف/194) و آنان «لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسئَلُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَأَسْتَفْتُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ» (حج/73). غیر از این‌ها موارد دیگری نیز وجود دارد که از عظمت مطلق الهی سخن می‌گوید. در ادامه از موضع‌گیری‌های عملی قدرت معنوی پیامبران سخن گفته می‌شود که تن دادن به خوف و هراس از مستکبران را نفی می‌کردند. خداوند متعال درباره موضع پیامبر اسلام در شب هجرت چنین می‌فرماید: «إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» (توبه/40). در جایی دیگر خداوند درباره مؤمنانی سخن می‌گوید که تبلیغات مخالف سعی داشتند اراده روانی آنان را در هم بشکنند و قدرت مسلط بر وضعیت عمومی را به آنان خاطر نشان کنند: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» * فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مَنْ اللَّهُ وَفَضَّلَ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ * إِنَّمَا ذُكِرْتُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران 173-175). می‌بینیم که قرآن کریم این مسأله در زمینه عملی به عنوان تجربه‌ای زنده و کارآمد نیز به تصویر می‌کشد. تجربه زنده‌ای که بر اساس اراده قوی برخاسته از ایمان، رویکرد به سوی خداوند، ثبات در موضع‌گیری، پرهیز از تزلزل و تن ندادن به ترس‌ها و هراس‌ها، پیامدهای مثبتی را به دست دهد. این امر باعث که پیامبر و مؤمنان از قدرت درونی خود استفاده کنند و به جایگاه پیشرفته‌ای از قدرت در زندگی تبدیل شوند و با این کار از کرامت الهی برخوردار شوند و به رضایت او دست یابند و از الطاف او قدرت بگیرند. این خط الهام بخش از مؤمنان می‌خواهد که از تجربیات کسانی که سابقه در ایمان داشتند و در عرصه‌های درگیری از حضوری فعال برخوردار بودند، درس بگیرند و با استفاده از این درس، به معنویتی که قدرت عملی را در پی دارد، بیندیشند.

3.5 نتیجه‌گیری

آنچه امروز باید در جامعه اسلامی معاصر مطرح باشد، ایجاد تغییر در ذهنیت مسلمانان در قبال خضوع در برابر هیمنه استکبار کافر است. زیرا با توجه به قدرت مادی مستکبران در برابر مستضعفان، بعضی از مردم این هیمنه را قضا و قدر و غیر

قابل تغییر می‌دانند. در حالی که در این باره باید برنامه‌ریزی کرد و به نقاط ضعف مستکبران در برابر مستضعفان نیز پرداخت. باید شعاری را که با سقوط هیمنه آنان در جان مردم می‌شود، را تکرار کرد. باید این تصور را نیز در مردم ایجاد کرد که مستکبران نیز در معرض نابودی و فروپاشی هستند و با دست زدن به بعضی اقدامات می‌توان این حقیقت را مورد تأکید قرار داد. اگر این شعار اوهام سیاسی و خیال‌های فکری باشد، همان واقعیتی که سیلی از شعارها را متوجه آن کرده‌اند همه شعارهای آنان را در هم خواهد ریخت و دور از واقعیت بودن آنان را ثابت خواهد کرد.

4. پیشنهادات و راهکارها

در حال حاضر در کشور ما، افراد تحصیل کرده و آموزش دیده فرهنگی کم نیست، ما سرمایه انسانی بسیار ارزشمندی داریم و این مهمترین سرمایه برای پرداختن به آموزش و تربیت و پیشگیری از هرگونه معضل فرهنگی و تربیت نسلی مقتدر و با ایمان و کاملاً مطمئن، برای آینده بهتر خواهیم بود. حال می‌توان از این نخستین عبادتگاه، پایگاه تبلیغاتی، مرکز دانش، مرکز قضایی، اجتماعی، سیاسی و نظامی که مسجد نام دارد به عنوان بهترین ظرفیت در راستای مدیریت شهرهای اسلامی قبل و بعد از بیداری اسلامی استفاده به عمل آورد.

5. نتیجه‌گیری

هرچه حضور در مساجد بیشتر و پررنگ‌تر شود، نشاط و شادابی و سلامت روحی و جسمی، تربیت و... نسل جدید بیشتر می‌شود. در پایان ما نباید از نقش مسجد و تأثیر آن در تربیت درست فرزندانمان غافل شویم، چرا که همین مساجد بودند که با حضور جوانان و نوجوانان فرزندان برای جبهه و جنگ و دفاع از ارزش‌ها را در کشور ما بخوبی تربیت و ساخت که مایه سربلندی کشور ما در طول تاریخ شد. تحقیق نشان می‌دهد که در زمان معاصر با توجه به بیداری اسلامی در جوامع اسلامی این مسجد است که می‌تواند مدیریت همه منظوره شهرها را به صورت قطعی بپذیرد و در جهت روشنگری پیش قدم باشد تا در این تهاجم همه جانبه دشمن سدی استوار باشد. باید باور کرد که نقش مساجد و احیاء آنها، متناسب با روند و امور زندگی و مشکلات امروزی در جامعه اسلامی ما یک ضرورت انکارناپذیر است و قدرت معنوی مساجد بیش از تصور و قدرت دشمنان اسلام است و افراد جامعه، نیازمند آرامش و فضای نورانی مساجد هستند.

6. منابع

- اسراء/10. قرآن.
- اعراف/194. قرآن.
- اعراف/29. قرآن.
- آل عمران 173-175. قرآن.
- آل عمران/159. قرآن.
- بقره/217. قرآن.
- توبه/40. قرآن.
- جن/18. قرآن.

حج/73. قرآن.

حرعاملی، م. وسائل الشیعه. جلد 1. قم: آل البیت.

حرعاملی، م. وسائل الشیعه. جلد 3. قم: آل البیت.

حرعاملی، م. وسائل الشیعه. جلد 5. قم: آل البیت.

شیخ صدوق. (1385). علل الشرائع. جلد 2. قم: مکتبته الداوری.

صفا، ذ. (1354). آموزشگاه ها و آموزش ها در ایران. تهران.

ضرابی، ع. (1379). نقش و عملکرد مسجد در تربیت. مجله معرفت، شماره 33.

طبرسی، ا. تفسیر مجمع البیان. در ع. کرمی، ترجمه (ص. 465). مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن.

کنتول اسمیت، و. (1356). اسلام در جهان امروز. در ح. مهروی، ترجمه (ص. 101). تهران: دانشگاه تهران.

مجلسی، م. (2013). بحارالنوار. جلد 82. قم: نشر فقه.

موسوی خمینی، س. (1364). صحیفه نور. جلد 18. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

نوری، م. (ه.ق. 1408). مستدرک الوسائل. جلد 3. قم: موسسه آل البیت.

منابع اینترنتی:

<http://www.bayynat.ir/index/?state=article&id=857>
[/http://www.leader.ir/langs/fa](http://www.leader.ir/langs/fa)

Archive of SID